



حضرت زهرا (علیها السلام) و روایت حدیث (در منابع اهل سنت)

فاطمه علیها السلام یکی از چهارده مطهر مورد نظر در آیه شریفه 33 سوره احزاب است که بر اساس اصطلاح محدثان، قول و فعل و تقریر آن حضرت علیها السلام، حدیث محسوب میشود.

فاطمه علیها السلام یکی از چهارده مطهر مورد نظر در آیه شریفه 33 سوره احزاب است که بر اساس اصطلاح محدثان، قول و فعل و تقریر آن حضرت علیها السلام، حدیث محسوب میشود.

گرچه پس از رحلت رسول الله صلیالله علیه و آله صلواتالله علیه و آله اهل بیت آن حضرت مورد کم توجهی و بلطفی مردم مدینه فرار گرفتند و در طول تاریخ خلفا به حذف نام علی بن ابی طالب علیها السلام و خانواده‌هاش همت گماشتند و علیه ایشان تبلیغات کردند و حق آنها را غصب و ایشان را شهید کردند، لکن هنوز نشانها و نمونهاهایی از فرمایشات و عملکردهای آن بزرگواران در منابع اهل سنت یافت میشود. این مقاله با تمرکز بر منابع حدیثی اهل سنت به احادیثی که حضرت زهرا علیها السلام از پیامبر اکرم صلیالله علیه و آله نقل کرده و یا دیگران از فاطمه علیها السلام درباره قول و فعل و تقریر آن حضرت علیها السلام نقل کرده‌اند، پرداخته است که گویای تنوع موضوعات میباشد.

کلیدواژه‌ها: فاطمه علیها السلام، زهرا علیها السلام، حدیث.

مقدمه

«حدیث» در اصطلاح محدثان، به معنای قول و فعل و تقریر معصوم است. حضرت زهرا علیها السلام به شهادت آیه «تطهیر» «إِنَّمَا بُرِّدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: 33) و فرمایشهای رسول اکرم صلیالله علیه و آله که نقل شده است پس از نزول آیه مزبور، هر روز صبح که برای نماز به مسجد تشریف میبردند، هنگامی که از کنار خانه فاطمه زهرا علیها السلام میگذشتند، اهل آن خانه را با تلاوت این آیه برای انجام فریضه نماز مورد خطاب قرار میدادند، (2) مشمول این آیه مبارکه است.

یکی از چهارده معصوم نزد حق تعالی و مسلمانان، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. بنابراین، گفته‌های آن بزرگوار، شرح افعال و کردار آن حضرت، حدیث تلقی میشوند. این مقاله کوشیده است تا احادیثی از فرمایشهای آن بانوی بزرگوار را، که در منابع اهل سنت نقل شده‌اند، گرد آورد.

برخی از احادیث نقل شده از حضرت زهرا علیها السلام در مجامع حدیثی اهل سنت و کتاب معجم کبیر طبرانی آمده است. تعدادی از آنها توسط راوی آن حضرت به گونه مستقیم و برخی به صورت مرسل نقل شده است که در این مقاله، در دو بخش احادیث «مسند» و احادیث «مرسل» ارائه شده‌اند. نکته مورد توجه اینکه طبرانی در بخش احادیث حضرت فاطمه علیها السلام، ابتدا راویان مرد را ذکر کرده، سپس از راویان زن حدیث جمعآوری کرده است. ترتیب نام راویان مرد از حضرت زهرا علیها السلام چنین است: علی بن ابی طالب، عبدالله بن مسعود، حسین بن علی، عبدالله بن عباس و انس بن مالک. اما اینکه چرا ترتیب خاصی در نظر نگرفته، قابل توجه است.

احادیث مسند

احادیثی را که به صورت مستقیم از فاطمه زهرا علیها السلام نقل شده‌اند یا راوی خود شاهد فعل یا فرموده آن حضرت بوده احادیث «مسند» میخوانیم. موضوعات این احادیث عبارتند از:

1. بیان وظیفه مردان

حسین بن علی علیها السلام فرمود: شنیدم فاطمه بنت محمد صلیالله علیه و آله فرمود که رسول خدا صلیالله علیه و آله فرمود: «الرجل أحقّ يصدر دأته و صدر فراشه والصلوة فی منزله الا اماما یجمع الناس علیه»؛ مرد سزاوارتر است که بر مرکب خود سوار شود و بر بستر خود قرار گیرد و نماز را در منزل خویش بجا آورد، مگر اینکه پیشوایی مردم را به خود بخواند (که در این صورت، وظیفه دارد برود). نعمان (3) گفت: «صدقت بنت محمد رسول الله سمعت أبا بشیرا یقول کما قالت فاطمة و قال رسول الله: إلا من أذن»؛ (4) دختر محمد رسول خدا صلیالله علیه و آله درست گفت. شنیدم پدرم بشیر همینگونه میگفت که فاطمه علیها السلام فرمود، و گفت: پیامبر صلیالله علیه و آله فرمود: مگر کسی که اجازه داده شده است.

2. فاطمه علیها السلام و فرزندان

- اسماء بنت عمیس از فاطمه زهرا علیها السلام نقل میکند که روزی رسول خدا صلیالله علیه و آله نزد او آمد و فرمود: پسرانم (یعنی: حسن و حسین) کجایند؟ حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «أصبحنا و لیس فی بیتنا شیءٌ یدؤقه ذائق». فقال علی: اذهب بهما فإنی آنخوف أن یتکبا علیک و لیس عندک شیءٌ، فذهب إلى فلان اليهودی؛ صبح که بیدار شدیم، چیزی برای (حتی) چشیدن نداشتیم. علی علیها السلام فرمود: آنها را مبرم، مترسم نزد تو (بمانند) گریه کنند، در حالی که چیزی برای خوردن نیست. نزد فلان یهودی رفت.

رسول خدا صلیالله علیه و آله به سوی آنها رفت و آن دو را دید که در آبی بازی میکنند و نزد آنها مقدار زیادی خرما بود. فرمود: «یا علی، ألا تغلب ابنتی قیل أن یتشدد علیهما الحز»؛ ای علی، نمخواهی پیش از آنکه گرما بر آنها مستولی شود، آنها را برگردانی؟ علی علیها السلام فرمود: «أصبحنا و لیس فی بیتنا شیءٌ، فلو جلست یا نبی الله حتی أجمع لفاطمة تمرای، فجلس النبی صلیالله علیه و آله حتی اجتمع لفاطمة شیءٌ من تمر، فجعلته فی صرته، ثم أقبل، فحمل النبی صلیالله علیه و آله أحدهما و علی الآخر حتی أقبلها»؛ (5) صبح در منزل چیزی برای خوردن نداشتیم. اگر شما، ای پیامبر خدا! بنشینید (تا مثل کنید) برای فاطمه مقداری خرما جمع میکنم. پس پیامبر صلیالله علیه و آله نشست تا مقداری خرما برای فاطمه جمع کرد و آن را در سبدهش گذاشت. سپس رو به سوی منزل آمدند، پیامبر صلیالله علیه و آله یکی از بچه‌ها را بغل کرد و علی دیگری را، تا نزد فاطمه علیها السلام رسیدند.

- زینب، دختر ابورافع، نقل میکند که حضرت فاطمه علیها السلام در حال بیمارباش که در آن از دنیا رفت با حسن و حسین علیهما السلام نزد رسول خدا صلیالله علیه و آله رفت و گفت: «یا رسول الله، هذان ابناک فؤرثهما شیئا، فقال: أمّا الحسن فله هبیتی و سؤدی، و أما حسین فله جُرأتی و جودی»؛ (6) ای پیامبر خدا، این دو پسران شما

هستند، پس چیزی به آنها به یادگار بده. حضرت صلوات‌الله‌علیه‌وآله فرمود: به حسن هیت و بزرگام را عطا کردم و به حسین، شهامت و بخشش را. - ابوسعید خدری نقل کرده است که روزی رسول خدا صلوات‌الله‌علیه‌وآله بر حضرت فاطمه علیها‌السلام وارد شد، در حالی که حضرت علی علیها‌السلام در خواب بود و حضرت فاطمه بر زمین دراز کشیده بود و دو پسرش هم در کنارش بودند. حسن علیها‌السلام آب خواست، پیامبر صلوات‌الله‌علیه‌وآله برخاست و برایش تهیه کرد و به او داد. حسین علیها‌السلام نیز طلب آب کرد و خواست که قبل از حسن علیها‌السلام آب بنوشد و گریه کرد. پیامبر صلوات‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «أَنْ أَخَاكَ اسْتَسْقَى قَبْلَكَ»؛ برادرت قبل از تو آب خواست. حضرت فاطمه علیها‌السلام فرمود: «كَأَنَّ الْحَسْنَ أَتَى عِنْدَكَ»؛ گویا حسن برایت مهمتر است. رسول خدا صلوات‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «ما هو بَأْتَرِ عِنْدِي مِنْهُ وَإِنَّمَا عِنْدِي بِمَنْزِلَةٍ وَإِنِّي وَإِيَّاكَ وَهَذَا النَّائِمُ لَفِي مَكَانٍ وَاحِدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ او برای من مهمتر نیست. هر دوی آنها برایم یکسانند. من و این دو و تو و این خفته (یعنی: علی علیها‌السلام) روز قیامت در یکجا خواهیم بود. (7)

- احمد بن حنبل به سند خود از ابن ابی ملیکه نقل میکند که گفت: فاطمه علیها‌السلام فرزندش حسن بن علی علیها‌السلام را میچرخاند و میفرمود: «بابِي شِبْهَ النَّبِيِّ، لَيْسَ شَبِيهَا بَعْلِي»؛ (8) پدرم فدای آنکه شبیه پیامبر است و شباهتی به علی علیها‌السلام ندارد.

- هیشمی با اسناد خود نقل میکند که فاطمه کبری علیها‌السلام فرمود: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: كَلُّ بَنِي أُمِّ يَتِمُونَ إِلَى عَصْبَةِ الْإِلا وَلَهُ فَاطِمَةُ قَاتَا وَلِيَهُمْ وَآتَا عَصْبَتَهُمْ»؛ (9) پیامبر صلوات‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هر فرزندی مادری دارد که فرزند به او روی مآورد و برمیگردد (ریشه و پی اوست). غیر از فرزندان فاطمه که من سرپرست آنها و عصبه آنها هستم؛ یعنی ریشه و اصلشان به من بازمیگردد.

3. حجاب و عفت حضرت فاطمه علیها‌السلام
حضرت علی علیها‌السلام فرمود: مرد کوری اجازه ورود بر فاطمه دختر رسول الله علیها‌السلام خواست. حضرت فاطمه حجاب خود را برگرفت. پیامبر صلوات‌الله‌علیه‌وآله به او فرمود: چرا در حجاب شدی، او که تو را نمیبیند؟ فاطمه علیها‌السلام گفت: «یا رسولَ اللهِ، إن لم يكن يراني فأنا أراه و هو يشمّ الريح»؛ ای پیامبر خدا، اگر او مرا نمیبیند، من که او را مبینم و بوی او را استشمام میکند. رسول اکرم صلوات‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «أَشْهَدُ أَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنِّي»؛ (10) حقا که تو پاره تن من هستی.

4. فاطمه زهرا علیها‌السلام در سوگ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله
- عایشه نقل میکند که پیامبر صلوات‌الله‌علیه‌وآله در خانه من مورد شکایت قرار گرفت. فاطمه به سوی او آمد - قسم به آنکه جان عایشه در دست اوست - راه رفتنش مانند راه رفتن پیامبر صلوات‌الله‌علیه‌وآله بود. رسول خدا صلوات‌الله‌علیه‌وآله با او رازی را در میان گذاشت که فاطمه گریه کرد، سپس چیزی به او گفت که فاطمه علیها‌السلام خندید. گفتم: مانند امروز ندیده بودم که خنده و گریه اینقدر به هم نزدیک باشند. گفتم: فاطمه! به من بگو که (پیامبر) چه چیزی به تو گفت؟ فرمود: «ما كنتُ أفعلُ»؛ (11) این کار را نمیکند. هنگامی که رسول خدا صلوات‌الله‌علیه‌وآله رحلت نمود، از او (فاطمه) همان سؤال را کردم، گفت: حالا پاسخ میدهم: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنَّ جَبْرِيلَ كَانَ يُعَارِضُنِي فِي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً، وَإِنَّهُ عَارِضُنِي الْعَامَ مَرَّتَيْنِ، وَ لَا أَرَى ذَلِكَ إِلَّا عِنْدَ اقْتِرَابِ أَجَلِي فَاتَّقَى اللَّهُ وَاصْبِرِي فَيَعْمُ السَّلْفُ أُنَا لَكَ. فَبِكَيْتُ، ثُمَّ سَارَنِي فَقَالَ: أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ أَوْ قَالَ: نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ؟ فَضَحَكْتُ»؛ (12) پیامبر فرمود: جبرئیل هر سال قرآن را یک بار بر من عرضه میکرد، امسال دو بار عرضه کرد، و این نیست جز آنکه نشانه نزدیک بودن اجلم میباشد. پس تقوای الهی پیشه کن و صبر نما. من سابقه خوبی برای تو هستم. (فاطمه علیها‌السلام میفرماید:) پس گریه کردم. سپس رو به من کرد و فرمود: آیا راضی نیستی که سرور زنان با ایمان باشی؟ یا فرمود: سرور زنان این امت باشی؟ پس خندیدم. - امّ سلمه نقل میکند که پیامبر پس از فتح (فتح مکه) فاطمه علیها‌السلام را صدا کرد و با او نجوا نمود. او گریه کرد، سپس به او چیزی گفت و او خندید. امّ سلمه میگوید: از او چیزی نپرسیدم تا پیامبر رحلت نمود. پس از آن از فاطمه درباره گریه و خندهاش سؤال کردم، «آخرینی آتیه میوت، ثم آخرینی آتیه سیده نساء أهل الجنة بعدَ مريم بنت عمران، فلذلك ضحكك»؛ (13) به من خبر داد که ممرید، سپس خبر داد که من پس از مریم دختر عمران، سرور زنان بهشتام. به این خاطر خندیدم. - انس از حضرت فاطمه علیها‌السلام نقل میکند که فرمود: «یا انسُ كَيْفَ طَابَتْ أَنْفُسُكُمْ أَنْ تَحْتَوَى عَلَي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ التراب، وَ أَيْتَاهُ مِنْ رَبِّهِ مَا أَدْنَاهُ، وَ أَيْتَاهُ جَنَّةَ الْفَرْدُوسِ مَأْوَاهُ، وَ أَيْتَاهُ إِلَى جَبْرِيلَ تَعَاةً، وَ أَيْتَاهُ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَأْوَاهُ، يَا أَيْتَاهُ كَاتَ جَبْرِيلَ يَغْشَاهُ، يَا أَيْتَاهُ لَسْتُ بِعَدَا الْيَوْمِ أَرَاهُ»؛ (16) ای پدر، بهشت را پروردگار نزدیک هستی! ای پدر، بهشت جایگاه توست! ای پدر، خبر رحلت را به جبرئیل دادند! ای پدر، پروردگار دعایت را اجابت کرد!

- ابن عبد ربّه در کتابش آورده است که فاطمه علیها‌السلام بر مزار پدر ایستاد و گفت: «إِنَّا قَدْنَاكَ فَقَدْنَا الْأَرْضَ وَابِلَهَا وَ غَابَ مُذْ غَبْتَ عَنَّا الْوَحْيُ وَالْكَتُبُ فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَاتَ الْمَوْتِ صَاقِنًا لِمَا نَعَيْتَ وَ حَالَتِ دُونَكَ الْكَتُبُ»؛ (15) - ابن ابی الحدید نیز منویسد که افراد زیادی گریه و عزاداری حضرت فاطمه علیها‌السلام را در زمان رحلت پدرش و پس از آن چنین نقل کرده‌اند: «یا ایتاه جتة الخلد مئاواه، یا ایتاه عند ذی العرش مئاواه، یا ایتاه کات جبریل یغشاه، یا ایتاه لست بعد الیوم أراه»؛ (16) ای پدر، بهشت جاودان سرایت! ای پدر، نزد صاحب عرش مأوایت! ای پدر، جبریل تو را دربرگرفت! ای پدر، پس از امروز تو را نخواهم دید.

- علی بن علی هلالی از پدرش نقل میکند که گفت: بر رسول خدا صلوات‌الله‌علیه‌وآله وارد شدم، در حالی که آن حضرت در شرایطی بود که رحلت فرمود. فاطمه علیها‌السلام بالای سر آن حضرت بود و گریه میکرد، به گونهای که صدایش بلند شد. پیامبر رو به او فرمود: «حبیبتی فاطمه ما الذی یُکبک؟»؛ عزیزم فاطمه! چه چیزی تو را به گریه انداخت؟ گفت: «أخشی الضیعة بعدک»، از سختی و تنگی (زندگی) پس از شما مترسَم. پیامبر فرمود: «یا حبیبتی أما علمت أن الله - عزوجل - أطلق إلى الأرض...»؛ عزیزم! آیا نمیدانی که خدای عزوجل به اهل زمین خبر داد که ... در این فرمایش، رسول الله صلوات‌الله‌علیه‌وآله با بشارتهایی حضرت فاطمه علیها‌السلام را دلداری داد. (17)

- انس بن مالک نقل میکند که حضرت فاطمه علیها‌السلام نزد رسول الله صلوات‌الله‌علیه‌وآله نشسته بود، در حالی که سختی و شدت مرگ بر آن حضرت بیشتر میشد، آن حضرت سرش را بلند کرد و فرمود: «واکراهه، فبکت فاطمة و قالت: واکراهه لکریک یا ایتاه»؛ وای از سختی! و فاطمه علیها‌السلام عرض کرد: وای از سختی به خاطر سختی تو، ای پدر! رسول خدا صلوات‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «لاکرب علی أبیک بعد الیوم»؛ (18) پس از امروز، دیگر بر پدرت سختی نیست.

5. طلب میراث پدر
- بخاری در کتاب صحیح، به سند خود از عایشه دختر ابابکر، همسر رسول الله صلوات‌الله‌علیه‌وآله، نقل میکند که گفت: فاطمه دختر رسول خدا صلوات‌الله‌علیه‌وآله پس از رحلت آن حضرت از ابوبکر خواست تا میراث او را از مایملک رسول الله صلوات‌الله‌علیه‌وآله، که بر جای مانده است، بدهد. ابوبکر پاسخ داد: پیامبر صلوات‌الله‌علیه‌وآله فرموده است: «لا نُورث، ما ترکناه صدقة»؛ ما پیامبران ارثی باقی نمگذاریم؛ آنچه ممانند صدقه است. پس فاطمه غضب کرد و از ابوبکر دوری جست. عایشه گفت: فاطمه از ابوبکر سهمش را از میراث رسول خدا از خیبر، فدک و صدقه آن حضرت برای مدینه طلب کرد. (19)

- ابوداود نیز به سند خود از ابوطفیل نقل کرده است که گفت: «جاءت فاطمة - رضی الله عنها - الی ابی بکر یطلب میراثها من النبی صلوات‌الله‌علیه‌وآله . فقال ابوبکر. سمعت رسول الله صلوات‌الله‌علیه‌وآله یقول: ان الله - عزوجل - إذا أطعم نبيًا طعامه فهي لذتي يقوم من بعده»؛ (20) فاطمه برای درخواست میراث پدرش پیامبر نزد ابوبکر آمد. ابوبکر به او گفت: از پیامبر صلوات‌الله‌علیه‌وآله شنیدم که میگفت: هرگاه خدای عزوجل چیزی را به پیامبری داد، آن برای کسی است که پس از او جانشین وی میگردد.

- بیهقی به سند خود از معمر از زهری از عروہ از عایشہ نقل میکند کہ گفت: «ابن فاطمة و العباس - رضی اللہ عنہما - أتیا ابابکر یتلمسان میراثہما من رسول اللہ و ہما حینئذ یطلبان أرضة من فدی و سہمہ من خیر...»؛ فاطمہ و عباس نزد ابوبکر آمدند و میراث خود از رسول خدا را طلب کردند؛ در آن موقع، زمین فدک و سہم او را از خیر مخواستند ... سپس منگوید: «فَقَضِيَ فاطمة - رضی اللہ عنہ - و هجرته فلم تُكَلِّمهُ حَتَّى ماتت فدفنہا علی - رضی اللہ عنہ - لیلاً و لم یؤدِّن یہا ابابکر»؛ (21) پس فاطمہ بر او غضب کرد و از او دوری گزید و تا وقتی کہ از دنیا رفت با او سخن نگفت. پس علی علیہ السلام او را شبانہ دفن کرد و ابوبکر را خبر نکرد. طبری و یعقوبی نیز در کتاب تاریخ خود، مانند این روایت را نقل کرده‌اند. (22)

6. حمایت از ولایت و خلافت

حضرت فاطمہ علیہا السلام تا وقتی زنده بود برای دفاع از حق ولایت و امامت همسرش علی علیہا السلام بسیار کوشا بود. ابن ابی الحدید از احمد بن عبدالعزیز جوہری بہ سند او تا ابی جعفر محمد بن علی رحمہما اللہ نقل میکند کہ حضرت علی علیہا السلام شبانہ حضرت فاطمہ علیہا السلام را سوار بر الاغ بہ در خانہ انصار میرد و از آنہا یاری مطالبید و حضرت فاطمہ علیہا السلام نیز طلب یاری میکرد ... (23)

7. درباره خوراکها و آشامیدنی‌ها

- ابن ماجہ بہ سند خود از فاطمہ بنت حسین از حسین بن علی علیہا السلام از مادرش فاطمہ دخت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم نقل میکند کہ فرمود: «قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم: لا یلومون امرء الا نفسة بیئ و فی یدہ ریخ عمر»؛ (24) آگاہ باشید کہ شخص جز خودش را ملامت نکند آنگاہ کہ بخوابد و در دستش بوی چربی باشد. کنایہ از این است کہ اگر هنگام خواب، نظافت را رعایت نکند، قابل ملامت است.

- طبری با حدیثی بلند از جعفر بن محمد رضاللعنه از پدرانش از حضرت علی علیہا السلام از حضرت فاطمہ علیہا السلام نقل میکند کہ فرمود: «قال لی رسول اللہ: یا حبیبہ ایہا، کل مسکر حرام و کل مسکر خم»؛ (25) عزیز پدر! ہر مستکنندہای حرام و پوشانندہ (عقل) است.

احادیث مرسل از حضرت فاطمہ علیہا السلام

حدیث «مرسل» حدیثی است کہ از سلسلہ سند راویان آن نام یک نفر یا بیشتر حذف باشد. بہ عبارت دیگر، حدیثی را کہ تابعی مستقیماً از معصوم نقل کند «مرسل» منگوبند؛ مانند حدیثی کہ یکی از نوادگان حضرت زہرا علیہا السلام مانند فاطمہ بنت الحسین علیہا السلام یا یکی از بستگان، کہ آن حضرت را ملاقات نکرده است، مستقیماً از آن حضرت نقل کند.

- فاطمہ صغری (بنت الحسین علیہا السلام) از فاطمہ کبری علیہا السلام نقل میکند کہ رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «لکل بنی اثنی عصبۃ ینتمون الیہ الا ولد فاطمہ فأنا ولہم و أنا عصبہم»؛ (26) شبیہ این حدیث را خطیب بغدادی از فاطمہ بنت الحسین نقل کرده است. (27)

- ہمو نقل میکند کہ آن حضرت علیہا السلام فرمود: «کان رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم یدخل المسجد قال: اللهم اغفر لی ذنوبی وافتح لی أبواب رحمتک، و اذا خرج قال، مثلها الا انة یقول: أبواب فضیلك»؛ (28) رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم ہر گاہ وارد مسجد میشد، میفرمود: بارالہا! گناہان مرا بیامرز و درہای رحمت را بر من بگشای، و هنگامی کہ خارج میشد، همان را میگفت و بہ جای «أبواب رحمتک» میفرمود: أبواب فضلك.

- نیز خطیب بغدادی بہ سند خود از عبداللہ بن حسن از مادرش از فاطمہ بنت رسول اللہ رحمہما اللہ نقل میکند کہ رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «خياركم الینکم مناکب فی الصلاة»؛ (29) بهترین شما کسانی ہستند کہ بہتر بہ جایگاہهای نماز روی آورند.

پی نوشت ها

1 دانشیار دانشگاه تربیت مدرس.

2. محمد بن عبداللہ حاکم نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالمعرفہ، 1411، ج 3، ص 158.

3. نعمان بن بشیر، از اصحاب امام حسین علیہا السلام .

4. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی، قاہرہ، مکتبہ ابن تیمیہ، ج 22، ص 414.

5. همان، ص 423.

6. همان.

7. علی بن ابی بکر ہیثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، مصر، ج 9، ص 171.

8. احمد بن حنبل شیبانی، مسند، مصر، ج 6، ص 283.

9. علی بن ابی بکر ہیثمی، پیشین، ج 9، ص 172.

10. ابن مغازلی، مناقب، ص 380.

11. در حدیث دیگری از عایشہ با سند دیگر، نظیر ہمین حدیث آمده است کہ فاطمہ علیہا السلام فرمود: «راز رسول خدا را فاش نمکنم.»

12. همان، ص 421-424. نظیر این حدیث را نک. در: محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج 6، ص 26.

13. همان، ص 422 / محمد بن عیسی بن سورہ ترمذی، سنن ترمذی، مصر، 1358، ج 5، ص 701.

14. همان، ص 417 / و نیز نک: محمد بن اسماعیل بخاری، پیشین، ج 6، ص 18 / علی بن احمد نسائی، سنن نسائی، قاہرہ، 1348، ج 4، ص 12.

15. ابن عبد ربّہ (احمد بن محمد)، عقد الفرید، مصر، 1377، ج 3، ص 328.

16. ابن ابی الحدید، شرح نہج البلاغہ، ج 13، ص 43.

17. ر. ک: علی بن ابی بکر ہیثمی، پیشین، ج 9، ص 165.

18. ابن عبد ربّہ، پیشین، ج 3، ص 230.

19. محمد بن اسماعیل بخاری، پیشین، ج 4، ص 96.

20. سلیمان بن اشعث سجستانی، سنن ابی داود، قاہرہ، ج 3، ص 144.

21. ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، سنن الکبری، حیدرآباد (ہند)، ج 6، ص 300.

22. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، مصر، 1971، ج 3، ص 208 / احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، نجف، 1389، ج 2، ص 117.

23. ابن ابی الحدید، پیشین، ج 6، ص 13.

24. محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجہ، قاہرہ، ج 2، ص 1096.

25. محمّد بن جریر طبری، دلائل الامامة، نجف، 1383، ص 3.
26. سلیمان بن احمد طبرانی، پیشین، ج 22، ص 423.
27. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، او مدینة اسلام، قاهره، ج 11، ص 285.
28. همان / محمّد بن یزید قزوینی، پیشین، ج 1، ص 253 / شبیه این روایت را نک: در احمد بن حنبل، پیشین، ج 6، ص 282.
29. خطیب بغدادی، پیشین، ج 12، ص 50.49.
- نهله غروی نائینی
بانوان شیعه